



Comparative Analysis of the Concept of Ihsan of Spouses and Its Jurisprudential Effects from the Perspective of the Five Islamic Schools with a Focus on the Islamic Penal Code of 2013

Mojtaba Khorram ^{1*}, Mohammad Javad Mazaheri Shoorabi ², Bashir Khateri ²

1. PhD in Criminal Law and Criminology, Farabi Campus, Qom, Iran. (Corresponding Author)

2. M.A of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences & Administrative Services Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research

Pages: 17-27

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +989103832248

Email:

mojtakhorram60@gmail.com

Article history:

Received: 19 Apr 2026

Revised: 20 Jun 2026

Accepted: 06 Jul 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Ihsan, Five Islamic Schools, Comparative Jurisprudence, Hadd of Zina, Invalid Marriage.

ABSTRACT

This study conducts a comparative analysis of the conditions for the establishment and termination of ihsan (marital chastity) of spouses from the perspective of the five Islamic schools of jurisprudence (Imamiyyah, Hanafi, Maliki, Shafi'i, Hanbali) and the Islamic Penal Code of 1392 (2013). The objective is to examine the conditions of ihsan, identify the commonalities and differences among the schools, and elucidate its jurisprudential effects with reference to legal and religious evidence. The main research question is: What are the criteria for the establishment and termination of ihsan in Islamic schools, and how do these differences impact the application of hadd punishments? Employing a descriptive-analytical method with a comparative approach, this study analyzes the concept of ihsan, its conditions of establishment (such as maturity, sanity, valid marriage, consummation, accessibility, and freedom), and the causes of its termination (such as divorce, travel, imprisonment, and apostasy). The findings indicate that all schools agree on the application of the hadd punishment of stoning for a muhsan (chaste married person), but significant differences exist in the conditions of ihsan. For instance, Imamiyyah limits ihsan to permanent marriage, while Sunni schools, due to their rejection of temporary marriage, consider only permanent marriage valid. Additionally, Hanafis, unlike other schools, do not require sanity as a condition for ihsan. The Islamic Penal Code of 1392, influenced by Imamiyyah jurisprudence, defines accessibility (tamkin) strictly for men but more broadly for women. These differences, rooted in jurisprudential methodologies and interpretations of religious texts, affect the nature and severity of hadd punishments. The results of this study can contribute to the enrichment of comparative Islamic jurisprudence and the reform of Islamic penal laws.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Khorram, M; Mazaheri Shoorabi, M. J & Khateri, B (2026). "Comparative Analysis of the Concept of Ihsan of Spouses and Its Jurisprudential Effects from the Perspective of the Five Islamic Schools with a Focus on the Islamic Penal Code of 2013". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(3): 17-27.



دوره ششم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۵

تحلیل تطبیقی مفهوم احسان زوجین و آثار فقهی آن از منظر مذاهب خمس به با نگاهی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مجتبی خرم^{۱*}، محمدجواد مظاهری شورابی^۲، بشیر خاطری^۳

۱. دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده پرديس فارابی، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش به تحلیل تطبیقی شرایط تحقق و زوال احسان زوجین از منظر مذاهب پنج‌گانه اسلامی (امامیه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌پردازد. هدف این مطالعه، بررسی شرایط احسان، شناسایی اشتراکات و اختلافات فقهی مذاهب و تبیین آثار کیفری آن با استناد به ادله فقهی و مقررات قانونی است. پرسش اصلی پژوهش این است که ضوابط تحقق و زوال احسان در مذاهب اسلامی چیست و این تفاوت‌ها چه تأثیری بر مجازات‌های حدی دارد؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، مفهوم احسان، شروط تحقق آن (بلوغ، عقل، نکاح صحیح، اصابت، تمکن، حریت) و اسباب زوال آن (طلاق، مسافرت، حبس، ارتداد) را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد همه مذاهب بر اجرای حد رجم برای محسن توافقی دارند، اما در شرایط تحقق احسان اختلافات قابل‌توجهی وجود دارد. برای نمونه، فقه امامیه احسان را به نکاح دائم محدود می‌کند، درحالی‌که مذاهب اهل سنت نکاح موقت را به دلیل عدم مشروعیت، معتبر نمی‌دانند. همچنین، حنفیه برخلاف سایر مذاهب، عقل را شرط احسان نمی‌شمارند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با تأثیرپذیری از فقه امامیه، تمکن را برای احسان مرد به صورت سخت‌گیرانه و برای زن به صورت موسع‌تر تعریف کرده است. این اختلافات، ریشه در مبانی اجتهادی و تفاسیر نصوص شرعی داشته و بر نوع و شدت مجازات‌های حدی اثر می‌گذارد. نتایج این پژوهش می‌تواند به توسعه فقه تطبیقی و اصلاح قوانین کیفری اسلامی یاری رساند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۲۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن: +۹۸۹۱۰۳۸۳۲۲۴۸

ایمیل:

mojtabakhorram60@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

احسان، مذاهب خمس، فقه مقارن، حد زنا، نکاح باطل.



مقدمه

نهاد احسان زوجین، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی فقه کیفری اسلامی، نقش تعیین کننده‌ای در احکام جرائم حدی، به‌ویژه زنا و لواط، دارد. احسان، وضعیتی شرعی است که به رابطه زناشویی مشروع با شروط فقهی خاص، از جمله بلوغ، عقل، نکاح صحیح، اصابت، تمکن و حریت، اشاره دارد و تحقق یا زوال آن آثار حقوقی و کیفری متفاوتی برای زوجین به دنبال دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱۸/۱۳). این مفهوم در فقه مذاهب پنج‌گانه اسلامی (امامیه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) با تفاوت‌هایی در شروط تحقق، مانند لزوم عقل یا اصابت و اسباب زوال آن، نظیر طلاق، مسافرت، حبس و ارتداد، بررسی شده است. این اختلافات که ریشه در مبانی اجتهادی و تفسیر نصوص شرعی دارد، بر نوع و شدت مجازات‌های حدی، از جمله تبدیل تازیانه به رجم، اثر می‌گذارد (نووی، بی تا: ۸۵/۲۰). برای نمونه، فقه امامیه احسان را به نکاح دائم محدود می‌کند، درحالی‌که مذاهب اهل سنت به دلیل عدم پذیرش نکاح موقت، تنها نکاح دائم را معتبر می‌دانند (مرغینانی، ۲۰۰۶: ۱۱۲/۴). همچنین، حنفیه برخلاف سایر مذاهب، عقل را شرط احسان نمی‌شمارند، درحالی‌که امامیه و شافعیه بر اصابت تأکید دارند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، متأثر از فقه امامیه، در مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ احسان را تعریف کرده و تمکن را برای مرد به صورت سخت‌گیرانه و برای زن به صورت موسع‌تر در نظر گرفته است (ساریخانی، ۱۳۹۶: ۹۰).

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، شروط تحقق و زوال احسان، اشتراکات و اختلافات مذاهب و آثار کیفری آن را تحلیل می‌کند. پرسش‌های اصلی عبارتند از: شروط تحقق احسان در فقه مذاهب و قانون مجازات اسلامی چیست؟ نقاط اشتراک و افتراق این شروط کدامند؟ و اسباب زوال احسان چه تأثیری بر احکام کیفری دارد؟ این مطالعه با بررسی ادله فقهی و قانونی، به شناسایی تفاوت‌ها و ارائه راهکارهایی برای اصلاح قوانین کیفری اسلامی می‌پردازد. تحولات اجتماعی و تغییر نگرش‌ها به نهاد خانواده، بازخوانی احسان را ضروری ساخته است. از منظر نظری، این پژوهش به توسعه دانش فقه مقارن کمک کرده و از منظر عملی، زمینه‌ساز قانون‌گذاری منسجم‌تر در حوزه حدود می‌شود. انتظار

می‌رود نتایج این مطالعه به درک عمیق‌تر احسان، تقویت عدالت کیفری اسلامی و انطباق آن با نیازهای حقوقی معاصر کمک کند.

۱- مفهوم‌شناسی احسان

واژه «احسان» در لغت از ریشه «حصن» مشتق شده و به معنای مصونیت، محافظت و بنای استوار است که دلالت بر حالتی از حفظ و صیانت در برابر نفوذ یا خطر دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۸/۱۳). در فرهنگ‌های لغوی عربی، این واژه به ایجاد سد و مانع در برابر گناه یا آسیب اشاره دارد و مفهومی از امنیت و استحکام را منتقل می‌کند. در بستر فقهی، احسان به وضعیت شرعی زوجین متأهل با شروط خاص اطلاق می‌شود که آن‌ها را از ارتکاب گناه، به‌ویژه زنا، باز می‌دارد. این مفهوم نه تنها جنبه حقوقی دارد، بلکه به عنوان نمادی از مصونیت اخلاقی و شرعی ناشی از ازدواج در نظام حقوقی اسلامی شناخته می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۰۲: ۱۴/۱۳).

قرآن کریم در سوره نساء آیه ۲۵، از «محصنات» به معنای زنان متأهل سخن گفته و مجازات نصف را برای کنیزان متأهل در صورت ارتکاب فاحشه مقرر کرده است: «فَإِذَا أَحْصَنَ فِانْ أُتِینَ بِفَاحِشَةٍ فَلِعَلَّیْهِنَ نِصْفُ مَا عَلِی الْمَحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ» (نساء/ ۲۵). این آیه، احسان را به داشتن همسر و مصونیت ناشی از ازدواج پیوند داده و بر نقش بازدارندگی ازدواج در پیشگیری از گناه تأکید دارد. تفاسیر قرآنی، مانند تفسیر فخر رازی، محصنات را به زنان متأهل تفسیر کرده و احسان را به عنوان وضعیتی معرفی می‌کنند که از طریق نکاح، فرد را از گناه حفظ می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۰: ۹۳). این کاربرد قرآنی، مبنای فقهی احسان را در تعیین مجازات‌های حدی، به‌ویژه زنا، شکل داده است.

در اصطلاح فقهی، احسان مفهومی چندوجهی است که در مذاهب پنج‌گانه اسلامی (امامیه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) با تفاسیر و شروط متفاوتی بررسی شده است. فقها در تعریف احسان و شروط تحقق آن، شامل بلوغ، عقل، نکاح صحیح، اصابت (دخول در قبل)، تمکن (دسترسی به همسر) و حریت، اختلاف نظر دارند. این اختلافات ریشه در مبانی اجتهادی، تفاسیر نصوص شرعی و شرایط اجتماعی و فرهنگی هر مذهب

دارد. در فقه امامیه، احسان عمدتاً به نکاح دائم و ملک یمین محدود شده و برخی فقها، مانند امام خمینی، نکاح موقت را به دلیل فقدان دوام از دایره احسان خارج می‌دانند (خمینی، ۱۴۰۹ق: ۲/ ۴۹۵). این دیدگاه مبتنی بر این استدلال است که احسان نیازمند رابطه‌ای پایدار است که نیازهای جنسی را به صورت مستمر برآورده کند. با این حال، روایاتی از امام صادق (ع) احسان را به وجود همسر، اعم از دائم یا موقت، مشروط به تأمین نیازهای جنسی وابسته می‌دانند: «محسن کسی است که همسری دارد و هر صبح و شام با او نزدیکی می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸/ ۶۲). این روایات، با اطلاق خود، نکاح موقت را نیز در برمی‌گیرند و برخی فقهای امامیه، مانند شیخ مفید، این دیدگاه را تأیید کرده‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق: ۷۸۰).

مذاهب اهل سنت، به دلیل عدم پذیرش مشروعیت نکاح موقت، احسان را صرفاً در چارچوب نکاح دائم بررسی می‌کنند. آن‌ها به آیه‌ی «والمحصنات من النساء» در سوره نساء استناد کرده و محصنات را به زنان متأهل در نکاح دائم تفسیر می‌کنند (شافعی، ۱۹۹۰: ۱۴۲/ ۶). حدیث عبادیه از پیامبر (ص) نیز که حد رجم را برای «ثیب» (فرد متأهل با سابقه نزدیکی) مقرر کرده، این دیدگاه را تقویت می‌کند (نووی، بی‌تا: ۲۰/ ۸۷). این تفاوت در پذیرش نکاح موقت، تحلیل احسان را در مذاهب اهل سنت متمایز کرده و بر شروط دیگر نیز اثر می‌گذارد.

اختلافات فقهی در شروط احسان نیز قابل توجه است. برای نمونه، در فقه حنفی، دیدگاه مشهور وجود نکاح صحیح و اصابت را برای احسان کافی می‌داند، اما عقل را شرط لازم نمی‌شمارد. این دیدگاه با استدلال به اطلاق نصوص شرعی، احسان را به مصونیت ناشی از ازدواج وابسته می‌داند، حتی اگر فرد فاقد عقل باشد (مرغینانی، ۲۰۰۶: ۲۰۴/ ۱۲۱). در مقابل، فقه امامیه و شافعیه بر لزوم اصابت (دخول در قبل) تأکید دارند و معتقدند بدون آن، احسان محقق نمی‌شود. این شرط در فقه امامیه به جماع در قبل که موجب غسل شود محدود است و سایر اشکال نزدیکی، مانند دخول در دبر، احسان را ایجاد نمی‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۵/ ۳۶۵). در فقه مالکی، برخی فقها صرف نکاح صحیح را برای احسان کافی می‌دانند و اصابت را شرط ضروری نمی‌شمارند، اگرچه این قول کمتر پذیرفته شده است (حطاب،

این اختلافات در شروط احسان که ریشه در تفاسیر متفاوت از قرآن، احادیث و اجماع فقهی دارد، بر احکام کیفری، به ویژه شدت مجازات زنا (رجم یا تازیانه)، تأثیر مستقیم می‌گذارد. برای مثال، در فقه امامیه و شافعیه، فقدان اصابت مانع احسان شده و مجازات را به تازیانه کاهش می‌دهد، در حالی که در برخی دیدگاه‌های مالکی، نکاح به تنهایی می‌تواند منجر به حد رجم شود. این تفاوت‌ها که به شرایط اجتماعی و فرهنگی هر مذهب نیز مرتبط است، بررسی تطبیقی احسان را برای فهم عمیق‌تر این نهاد فقهی ضروری می‌سازد.

از منظر نظری، تحلیل تطبیقی احسان در مذاهب اسلامی به توسعه دانش فقه مقارن کمک می‌کند. این مطالعه با شناسایی اشتراکات و اختلافات، چارچوبی برای درک بهتر نقش احسان در نظام حقوقی اسلامی ارائه می‌دهد. از منظر عملی، نتایج این تحلیل می‌تواند قانون‌گذاران را در بازنگری قوانین کیفری اسلامی یاری کند. برای نمونه، بازتعریف شروط احسان با توجه به نیازهای معاصر، مانند انعطاف در شروط عقل یا اصابت، می‌تواند به انطباق بهتر احکام با واقعیت‌های اجتماعی کمک کند. بررسی تطبیقی این مفهوم نه تنها به غنای ادبیات فقهی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز قانون‌گذاری منسجم‌تر در حوزه حدود است.

۲- تحقق احسان در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، متأثر از فقه امامیه، در ماده ۲۲۶ تعریف دقیقی از احسان برای زن و مرد ارائه کرده است که شروط تحقق آن را مشخص می‌کند. بر اساس این ماده، احسان مرد به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد دارای همسر دائمی و بالغ باشد، خود در زمان بلوغ و عاقل بوده، از طریق قبل با همسرش در حالت بلوغ جماع کرده باشد و هر زمان که اراده کند، امکان جماع از طریق قبل با همسرش را داشته باشد. در مقابل، احسان زن به داشتن همسر دائمی و بالغ، عقل و بلوغ زن، جماع از طریق قبل با همسر و امکان جماع با او وابسته است. این تعریف تفاوت‌های مهمی را بین

۳-۱- بلوغ

بلوغ، به عنوان پیش نیاز تکلیف شرعی، در همه مذاهب شرط اساسی احسان مرد محسوب می شود، زیرا مسؤولیت کیفری بدون آن محقق نمی گردد (شهید ثانی، ۱۴۰۲ق: ۱۳/ ۲۲۰). فقهای امامیه، شافعی، حنبلی و مالکی بر لزوم بلوغ برای احسان زن نیز اتفاق نظر دارند و معتقدند زن نابالغ، حتی اگر متأهل باشد و با همسرش نزدیکی کرده باشد، محصنه نیست و مشمول حد رجم نمی شود، بلکه ممکن است تعزیر گردد (نووی، بی تا: ۲۰/ ۹۲). این دیدگاه مبتنی بر روایات و اجماع فقهی است که تکلیف را به بلوغ وابسته می دانند.

با این حال، در فقه حنفی، قولی غیرمشهور بلوغ را برای احسان زن ضروری نمی دانند. برخی فقهای حنفی استدلال می کنند که جوهره احسان به نکاح صحیح و اصابت وابسته است و بلوغ تأثیری بر مصونیت ناشی از ازدواج ندارد (مرغینانی، ۲۰۰۶: ۴/ ۱۲۱). در فقه مالکی نیز قولی مشابه وجود دارد که زن صغیره متأهل را در صورت نزدیکی محصنه می دانند، با استناد به حرمت زناشویی ناشی از نکاح (حطاب، ۱۹۹۲: ۶/ ۲۴۵). در فقه امامیه، دیدگاه مشهور بلوغ را شرط لازم احسان زن می داند، اما شیخ مفید و ابن ادریس حلی با تأکید بر نکاح و اصابت، زن نابالغ متأهل را محصنه شمرده اند (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۷۸۳). این اختلافات، ریشه در تفاسیر متفاوت از نصوص شرعی دارد و بر مجازات های حدی اثر می گذارد.

۳-۲- عقل

عقل، شرط دیگری برای تحقق احسان است که در اکثر مذاهب (امامیه، مالکی، شافعی، حنبلی) ضروری تلقی می شود. فقدان عقل، مسؤولیت کیفری را در جرائم حدی ساقط می کند، زیرا احسان به عنوان وضعیتی شرعی به تکلیف وابسته است (شهید ثانی، ۱۴۰۲ق: ۱۳/ ۲۲۳). در فقه امامیه، فرد مجنون، حتی با وجود نکاح و اصابت، محصن محسوب نمی شود، زیرا عقل پیش نیاز تکلیف و مسؤولیت کیفری است (خمینی، ۱۴۰۹ق: ۲/ ص ۴۹۹). شافعی و حنبلیه نیز این دیدگاه را تأیید کرده و عقل را شرط احسان زوجین می دانند (ابن قدامه، ۲۰۰۴: ۸/ ۱۹۸). در مقابل، حنفیه جنون را مانع احسان نمی دانند و معتقدند نکاح صحیح و اصابت برای احسان کافی است (ابن

احسان زن و مرد نشان می دهد. نخست، در احسان زن، برخلاف مرد، شرط بلوغ همسر در زمان جماع ذکر نشده است که نشان دهنده تمرکز قانون گذار بر وضعیت خود زن است (ساریخانی، ۱۳۹۶: ۹۲). دوم، در احسان زن، «امکان جماع» کافی است که مفهومی گسترده تر از شرط «هر وقت بخواهد» در احسان مرد بوده و انعطاف بیشتری را در احسان زن نشان می دهد (بهمن پوری و نظری کله جویی، ۱۳۹۸: ۶۰).

این شروط، ریشه در فقه امامیه دارند و بر نکاح دائم، بلوغ، عقل، اصابت (جماع در قبل) و تمکن تأکید دارند. شرط تمکن در احسان مرد به صورت سخت گیرانه تر تعریف شده، به طوری که دسترسی مستمر و ارادی به همسر لازم است، در حالی که در احسان زن، امکان عرفی جماع کافی است (خمینی، ۱۴۰۹ق: ۲/ ۴۹۷). این تمایز ممکن است به تفاوت های فقهی در نقش جنسیتی زوجین بازگردد، جایی که مرد به عنوان عامل فعال در رابطه زناشویی دیده می شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۵/ ۳۶۸). قانون مجازات اسلامی با این رویکرد، ضمن حفظ مبانی فقهی، سعی در انطباق با نیازهای حقوقی معاصر دارد. در مقایسه، مفهوم زنای محصنه در نظام حقوقی انگلستان صرفاً به رابطه جنسی بین افراد غیر متأهل با حداقل یکی از طرفین متأهل اشاره دارد، بدون شروط پیچیده فقهی مانند عقل یا تمکن که تفاوت بنیادین نظام های حقوقی اسلامی و سکولار را نشان می دهد.

۳-۳- شرایط تحقق احسان در فقه مذاهب

احسان، به عنوان وضعیتی شرعی در فقه کیفری اسلامی، به رابطه زناشویی مشروع با شروط خاص وابسته است که تحقق آن مجازات جرائم حدی مانند زنا را از تازیانه به رجم تشدید می کند (نووی، بی تا: ۲۰/ ۹۰). شروط تحقق احسان در مذاهب پنج گانه اسلامی (امامیه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) شامل بلوغ، عقل، نکاح صحیح، اصابت (دخول)، تمکن (دسترسی به همسر) و حریت است. این شروط به دلیل تفاوت های اجتهادی و تفسیری در مذاهب، با اختلافاتی بررسی شده اند که بر احکام کیفری اثر می گذارند. در ادامه، هر شرط به صورت تطبیقی تحلیل می شود.

است و انزال شرط نیست که نشان‌دهنده حداقل معیار برای این شرط است (بهمن‌پوری و نظری کله‌جویی، ۱۳۹۸: ۶۱). فقه شافعی و حنبلی نیز دخول در قبل را شرط ضروری احسان می‌دانند و بدون آن، فرد محسن محسوب نمی‌شود (ابن قدامه، ۲۰۰۴: ۸/۲۰۴).

در فقه حنفی، دیدگاه مشهور لزوم اصابت را تأیید می‌کند، اما قولی غیرمشهور صرف نکاح صحیح را برای احسان کافی می‌داند که به دلیل عدم پذیرش گسترده، شاذ تلقی می‌شود (ابن نجیم، ۲۰۰۲: ۵/۱۴). در فقه مالکی، برخی فقها دخول را شرط احسان نمی‌شمارند و معتقدند نکاح صحیح به تنهایی برای تحقق احسان بسنده است، اگرچه این دیدگاه کمتر پذیرفته شده است (حطاب، ۱۹۹۲: ۶/۲۴۸). این اختلافات که ریشه در تفاسیر متفاوت نصوص شرعی دارد، بر تعیین وضعیت محسن و اعمال مجازات حدی اثر می‌گذارد؛ در مذاهب امامیه، شافعی و حنبلی، فقدان اصابت مانع احسان و در نتیجه حد رجم می‌شود، درحالی‌که در برخی دیدگاه‌های مالکی، نکاح به تنهایی کافی است.

۳-۵- تمکن

تمکن یا امکان دسترسی عرفی زوجین به یکدیگر برای انجام رابطه زناشویی، در فقه امامیه شرط اساسی احسان، به‌ویژه برای مرد، محسوب می‌شود. روایات متعدد، مانند روایت اسماعیل بن جابر از امام باقر (ع)، بر لزوم دسترسی مستمر تأکید دارند: «محسن کسی است که صبح و شام زنی در دسترس او باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸/۷۰). شیخ طوسی نیز احسان را به دسترسی عرفی وابسته می‌داند و معتقد است بدون آن، احسان محقق نمی‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۵/۳۷۵). در احسان زن، این شرط به‌صورت موسع‌تر تفسیر شده و امکان عرفی جماع، بدون نیاز به دسترسی دائمی، کافی است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۴۱/۳۱۲). قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، متأثر از فقه امامیه، تمکن را برای مرد به‌صورت سخت‌گیرانه (دسترسی هرگاه بخواهد) و برای زن به‌صورت عام‌تر تعریف کرده است.

در مقابل، در فقه حنفی و شافعی، تمکن شرط احسان نیست و احسان با عقد صحیح و یک‌بار اصابت محقق می‌شود، حتی اگر موانعی مانند سفر یا عذر مانع دسترسی باشند (ابن عابدین،

عابدین، ۱۴۱۲ق: ۵/۲۸). آن‌ها به اطلاق نصوص شرعی استناد می‌کنند که قید عقل را ذکر نکرده‌اند و احسان را به مصونیت ناشی از ازدواج وابسته می‌دانند، حتی در صورت فقدان عقل (مرغینانی، ۲۰۰۶: ۴/۱۲۵). این دیدگاه حنفیه، با تأکید بر جنبه حقوقی احسان، با سایر مذاهب که آن را به تکلیف شرعی پیوند می‌دهند، متفاوت است و بر اجرای حد رجم برای فرد مجنون در صورت تحقق سایر شروط اثر می‌گذارد.

۳-۳- نکاح

نکاح صحیح، رکن اصلی احسان در همه مذاهب است. در فقه امامیه، احسان از طریق نکاح دائم، نکاح موقت (متعّه) و ملک یمین محقق می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۷/۱۷۶). با این حال، در مورد نکاح موقت اختلاف نظر وجود دارد. برخی روایات، مانند صحیح ابن سنان، زوجیت را اعم از دائم یا موقت، موجد احسان می‌دانند، مشروط به تأمین نیاز جنسی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸/۶۴). در مقابل، فقهایی مانند امام خمینی احسان را به نکاح دائم و ملک یمین محدود کرده و نکاح موقت را به دلیل فقدان دوام از دایره احسان خارج می‌دانند (خمینی، ۱۴۰۹ق: ۲/۵۰۱).

مذاهب اهل سنت، به دلیل عدم پذیرش مشروعیت نکاح موقت، احسان را صرفاً به نکاح دائم وابسته می‌دانند (شافعی، ۱۹۹۰: ۶/۱۴۶). آن‌ها به آیه «والمحصنات من النساء» (نساء/۲۴) استناد کرده و محصنات را زنان متأهل در نکاح دائم تفسیر می‌کنند. حدیث عبادیه نیز که حد رجم را برای «ثیب» (فرد متأهل با سابقه نزدیکی) مقرر می‌کند، این دیدگاه را تقویت می‌کند (نووی، بی‌تا: ۲۰/۹۵). این تفاوت در پذیرش نکاح موقت، تحلیل احسان را در مذاهب اهل سنت متمایز می‌سازد.

۳-۴- اصابت

اصابت یا دخول در قبل، یکی از شروط کلیدی تحقق احسان در اکثر مذاهب اسلامی است که بر مجازات‌های حدی، به‌ویژه حد رجم، تأثیر می‌گذارد. در فقه امامیه، اصابت به جماع در قبل که موجب غسل شود محدود است و دخول در دبر یا سایر اشکال نزدیکی احسان را محقق نمی‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۵/۳۷۲). آیت‌الله گلپایگانی از علامه حلی نقل می‌کند که تغیب حشفه (ورود کامل سر آلت) برای تحقق اصابت کافی

۴- اسباب زوال احسان در فقه مذاهب اسلامی و قانون مجازات اسلامی

زوال احسان در فقه کیفری اسلامی به معنای از بین رفتن وضعیت شرعی زوجین است که مجازات حد زنا را از رجم به تازیانه یا سایر مجازات‌های خفیف‌تر تغییر می‌دهد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۲۷، اسباب زوال احسان را به صورت تمثیلی ذکر کرده است: «اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری‌های خطرناک مانند ایدز و سیفلیس، زوجین را از احسان خارج می‌کند». این رویکرد، متأثر از فقه امامیه، مبتنی بر قاعده نفی ضرر و تفسیر احکام به نفع متهم است (ساریخانی، ۱۳۹۶: ۹۴). فلسفه احسان، حفظ پیمان زناشویی و مصونیت از گناه است؛ بنابراین، موانع شرعی یا عرفی دسترسی به همسر، احسان را زائل کرده و مجازات را تخفیف می‌دهد (بهمن‌پوری و نظری کله‌جوبی، ۱۳۹۸: ۶۲). در فقه مذاهب پنج‌گانه (امامیه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی)، اسباب زوال احسان با تفاوت‌هایی بررسی شده که در ادامه تحلیل می‌شود.

۴-۱- شرط زوجیت

زوجیت، به عنوان رکن اصلی احسان، در فقه امامیه به استمرار نکاح وابسته است. فقهای امامیه اجماع دارند که احسان تنها در صورت بقای نکاح در زمان ارتکاب زنا برقرار است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۵/ ۳۸۱). اگر نکاح به دلایلی مانند طلاق، فوت، یا انفساخ پایان یابد، احسان زائل شده و فرد در صورت ارتکاب زنا مشمول حد رجم نمی‌شود (اکرمی، ۱۴۰۰: ۳۵). این دیدگاه مبتنی بر روایاتی است که احسان را به وجود همسر در دسترس وابسته می‌دانند: «محسن کسی است که صبح و شام زنی در دسترس او باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸/ ۷۳). سید مرتضی در الانتصار این شرط را از ویژگی‌های متمایز فقه امامیه دانسته و بر اجماع فقهای شیعه تأکید کرده است (اکرمی، ۱۴۰۰: ۳۷).

در مقابل، مذاهب اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) معتقدند احسان با عقد صحیح و یک‌بار اصابت (دخول) محقق شده و نیازی به بقای زوجیت در زمان زنا ندارد (مرغینانی، ۲۰۰۶، ج ۴، ص ۱۳۲). برای مثال، اگر فردی پس از ازدواج و نزدیکی، به دلیل طلاق یا فوت همسر متأهل نباشد، همچنان

۱۴۱۲ق: ۵/ ۳۱). در فقه مالکی و حنبلی، تمکن به طور کلی شرط نیست، اما برخی فقها معتقدند سلب کامل دسترسی، مانند حبس طولانی‌مدت، احسان را زائل می‌کند (زرقانی، بی‌تا: ۸/ ۱۰۲). این اختلافات که ریشه در تفاوت‌های اجتماعی و عرفی هر مذهب دارد، بر مجازات‌های حدی اثر می‌گذارد؛ در فقه امامیه، فقدان تمکن مجازات را به تازیانه کاهش می‌دهد، در حالی که در حنفیه، احسان پایدار می‌ماند.

۳-۶- حریت

حریت یا آزاد بودن زوجین، یکی از شروط مورد اختلاف برای تحقق احسان در فقه مذاهب اسلامی است. در فقه امامیه، شافعی و حنبلی، حریت شرط ضروری احسان محسوب می‌شود و برده، حتی در صورت داشتن نکاح صحیح و تحقق سایر شروط مانند اصابت، محسن به شمار نمی‌رود (ابن قدامه، ۲۰۰۴: ۸/ ۲۱۰). این دیدگاه مبتنی بر این اصل است که احسان، به عنوان وضعیتی شرعی، به آزادی فرد وابسته است، زیرا مسئولیت کیفری کامل، از جمله اجرای حد رجم، تنها بر فرد آزاد بار می‌شود. فقهای این مذاهب استدلال می‌کنند که برده به دلیل محدودیت‌های حقوقی، از مصونیت کامل ناشی از احسان برخوردار نیست و در صورت ارتکاب زنا، مشمول مجازات خفیف‌تری مانند تازیانه می‌شود (شافعی، ۱۹۹۰: ۶/ ۱۴۹).

در مقابل، فقهای حنفی و مالکی حریت را شرط احسان نمی‌دانند و برده متأهل را در صورت تحقق نکاح صحیح و سایر شروط، محسن می‌شمارند (کاسانی، ۱۹۹۷: ۷/ ۳۹). آن‌ها معتقدند احسان به مصونیت از زنا به واسطه نکاح وابسته است و این مصونیت برای برده نیز محقق می‌شود، زیرا او نیز مشمول نهی از زنا است. حنفیه و مالکیه همچنین به فقدان دلیل شرعی صریح برای محدود کردن احسان به افراد آزاد استناد می‌کنند (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۵/ ۳۵). این اختلاف که ریشه در تفاسیر متفاوت از نصوص شرعی دارد، بر مجازات‌های حدی اثر می‌گذارد؛ در فقه امامیه، شافعی و حنبلی، برده از حد رجم معاف است، اما در فقه حنفی و مالکی، ممکن است مشمول آن شود.

است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۵/ ۳۸۸). در طلاق رجعی تا پایان عده، امکان رجوع وجود دارد، اما پس از آن احسان زائل می‌شود (محقق حلی، بی‌تا: ۲/ ۷۹۰).

در فقه حنفی، طلاق رجعی احسان را حفظ می‌کند، زیرا زوجین در دوران عده در حکم زن و شوهر هستند (مرغینانی، ۲۰۰۶: ۲۱۵/۴). در طلاق بائن، احسان با قطع زوجیت زائل می‌شود، اما برخی فقهای حنفی معتقدند اگر زن در عده طلاق بائن باشد و مرد قصد ازدواج مجدد داشته باشد، احسان ممکن است حفظ شود (ابن نجیم، ۱۹۹۷: ۵/ ۲۲). در فقه مالکی، خلیل بن اسحاق اجماع بر زوال احسان در طلاق، حتی رجعی را گزارش کرده، مگر در صورت رجوع در عده (جندی، ۲۰۰۲: ۲/ ۳۰۱). شافعی طلاق رجعی را تا پایان عده حفظ‌کننده احسان می‌داند، اما در طلاق بائن، احسان زائل می‌شود (رملی، ۱۹۸۴: ۷/ ۱۱۸). حنبلیه نیز در طلاق بائن، احسان را در صورت وجود قصد رجوع در عده حفظ‌شده می‌داند (ابن قدامه، ۱۹۹۴: ۸/ ۲۲۱).

۴-۴- ارتداد

ارتداد، به معنای خروج از دین اسلام، در فقه مذاهب اسلامی یکی از اسباب کلیدی زوال احسان است، زیرا مستقیماً بر وضعیت نکاح اثر می‌گذارد. در فقه امامیه، ارتداد هر یک از زوجین به دلیل انفساخ خودکار نکاح، فوراً احسان را زائل می‌کند، حتی اگر فرد در زمان ارتکاب جرم غیرمسلمان باشد (محقق حلی، بی‌تا: ۲/ ۷۹۴). برخی فقهای امامیه، مانند شهید ثانی، ارتداد را «قتل معنوی» توصیف کرده و معتقدند تمام آثار حقوقی نکاح، از جمله احسان، با آن از بین می‌رود (شهید ثانی، ۱۴۰۲: ۱۳/ ۲۳۶). این دیدگاه مبتنی بر این اصل است که نکاح، به‌عنوان رکن احسان، با ارتداد فسخ شده و وضعیت محصن بودن زوجین منتفی می‌شود.

در فقه اهل سنت نیز، ارتداد به دلیل فسخ نکاح، احسان را زائل می‌کند: «ولا إحصان مع الردة» (خطاب، ۱۹۹۲: ۶/ ۲۶۱). با این حال، در فقه حنفی، برای زن مرتد استثنایی وجود دارد؛ او سه روز فرصت توبه دارد و در صورت عدم توبه، نکاح فسخ شده و احسان زائل می‌شود (دسوقی، بی‌تا: ۴/ ۳۱۵). این تفاوت در فقه حنفی که فرصت توبه را برای زن مرتد قائل است، برخلاف فقه امامیه است که انفساخ نکاح را فوری می‌داند. در

محصن محسوب شده و حد رجم بر او جاری می‌شود: «لا يلزم بقاء الزواج لبقاء صفة الإحصان» (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ۵/ ۴۱). این دیدگاه به اطلاق نصوص شرعی استناد دارد که احسان را به نکاح و اصابت وابسته می‌دانند، نه استمرار زوجیت (شافعی، ۱۹۹۰: ۶/ ۱۵۳). این تفاوت اساسی، ریشه در مبانی اجتهادی داشته و بر شدت مجازات تأثیر می‌گذارد.

۴-۲- ضابطه مسافرت و حبس

تمکن (دسترسی عرفی زوجین به یکدیگر) در فقه امامیه شرط اساسی بقای احسان، به‌ویژه برای مرد، است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مسافرت و حبس را از اسباب زوال احسان می‌داند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ماده ۲۲۷). روایات متعدد، مانند روایت اسماعیل بن جابر از امام باقر (ع)، بر لزوم دسترسی مستمر تأکید دارند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸/ ۷۵). محمدحسن نجفی در جواهر الکلام می‌نویسد: «إذا سافر الزوج سفرًا طويلاً يمتنع معه الوطء زال الإحصان» (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱/ ۳۲۰). فقهای امامیه، به‌ویژه معاصران، ضابطه عرفی را ملاک تمکن می‌دانند و هر مانعی که دسترسی مشروع را سلب کند، احسان را زائل می‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۵/ ۳۸۴).

در فقه حنفی، مسافرت به‌تنهایی احسان را زائل نمی‌کند، مگر اینکه جدایی قطعی مانند طلاق رخ دهد (ابن نجیم، ۲۰۰۲: ۵/ ۱۸). در مورد حبس، دیدگاه غالب حنفیه بر بقای احسان است، اما قولی غیرمشهور حبس طولانی‌مدت را، به دلیل سلب دسترسی، مانع احسان می‌داند (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ۵/ ۴۴). در فقه شافعی، مسافرت تأثیری بر احسان ندارد و مادامی که نکاح معتبر است، احسان برقرار می‌ماند (شافعی، ۱۹۹۰: ۶/ ۱۵۶). مالکیه و حنبلیه رویکردی مشابه امامیه دارند؛ اگر مسافرت یا حبس طولانی باشد و امکان رابطه زناشویی را سلب کند، احسان زائل می‌شود (خطاب، ۱۹۹۲: ۶/ ۲۵۵؛ مرداوی، بی‌تا: ۱۰/ ۵۲). این تفاوت‌ها به ساختارهای اجتماعی و عرفی هر مذهب مرتبط است.

۴-۳- طلاق

طلاق در فقه مذاهب مختلف اثرات متفاوتی بر احسان دارد. در فقه امامیه، هر نوع طلاق (رجعی یا بائن) با پایان یافتن نکاح، احسان را زائل می‌کند، زیرا زوجیت شرط بقای احسان

مذاهب شافعی، مالکی و حنبلی، ارتداد مرد یا زن به‌طور یکسان نکاح را فسخ کرده و احسان را زائل می‌کند (شافعی، ۱۹۹۰: ۶/۱۶۰). قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، متأثر از فقه امامیه، ارتداد را زائل‌کننده احسان می‌داند، اما به جزئیات فقهی آن نپرداخته است. این اختلافات، ناشی از تفاوت در تفسیر نصوص شرعی، پیچیدگی‌های اجرای احکام کیفری را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی شرایط تحقق و زوال احسان در مذاهب پنج‌گانه اسلامی، شامل امامیه، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی و همچنین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نشان‌دهنده نقش محوری این نهاد فقهی در نظام کیفری اسلامی است. احسان، به‌عنوان وضعیتی شرعی که رابطه زناشویی مشروع را با شروط خاص تعریف می‌کند، بر تعیین نوع و شدت مجازات جرائم حدی، به‌ویژه زنا، تأثیر مستقیم دارد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، شروط تحقق احسان، اسباب زوال آن و آثار کیفری آن را در مذاهب مختلف بررسی کرده و به شناسایی اشتراکات و اختلافات این نهاد پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه همه مذاهب بر تأثیر احسان در تشدید مجازات زنا به رجم توافق دارند، اما در شروط تحقق و اسباب زوال آن اختلافات اساسی وجود دارد که بر عدالت کیفری و انطباق قوانین با نیازهای معاصر اثر می‌گذارد.

همه مذاهب اسلامی بر لزوم نکاح صحیح به‌عنوان رکن اصلی احسان اتفاق نظر دارند، اما در جزئیات این شرط و سایر شروط، مانند بلوغ، عقل، اصابت، تمکن و حریت، تفاوت‌های قابل‌توجهی دیده می‌شود. در فقه امامیه، احسان عمدتاً به نکاح دائم و ملک یمین محدود شده و نکاح موقت در برخی دیدگاه‌ها به‌دلیل فقدان دوام از شمول احسان خارج است. در مقابل، مذاهب اهل سنت، به‌دلیل عدم پذیرش مشروعیت نکاح موقت، احسان را صرفاً در چارچوب نکاح دائم بررسی می‌کنند. این تفاوت در تعریف نکاح، مبنای بسیاری از اختلافات در شروط دیگر است.

بلوغ به‌عنوان پیش‌نیاز تکلیف شرعی، در همه مذاهب برای احسان مرد ضروری است، اما در مورد احسان زن، برخی فقهای حنفی و مالکی بلوغ را شرط لازم نمی‌دانند و معتقدند

نکاح صحیح و نزدیکی برای تحقق احسان کافی است. عقل نیز در فقه امامیه، شافعی و حنبلی شرط ضروری احسان تلقی می‌شود، زیرا فقدان آن مسؤولیت کیفری را ساقط می‌کند. با این حال، فقهای حنفی عقل را شرط احسان نمی‌شمارند و آن را به جنبه حقوقی نکاح وابسته می‌دانند. این دیدگاه، احسان را حتی برای فرد مجنون در صورت وجود نکاح و نزدیکی محقق می‌داند.

شرط اصابت یا دخول در قبل نیز در فقه امامیه و شافعیه ضروری است، اما برخی فقهای مالکی معتقدند که صرف عقد نکاح برای احسان کافی است. این اختلاف در لزوم اصابت، بر تعیین وضعیت محسن و اعمال مجازات رجم تأثیر مستقیم دارد. تمکن یا دسترسی عرفی به همسر، در فقه امامیه، به‌ویژه برای مرد، شرطی سخت‌گیرانه است، درحالی‌که در احسان زن به‌صورت موسع‌تر تعریف می‌شود. مذاهب حنفی و شافعی تمکن را شرط احسان نمی‌دانند و معتقدند احسان با نکاح و یک‌بار نزدیکی محقق می‌شود، حتی اگر موانعی مانند سفر وجود داشته باشد. حریت نیز در فقه امامیه، شافعی و حنبلی شرط احسان است، اما حنفیه و مالکیه برده متأهل را نیز محسن می‌شمارند، با این استدلال که نکاح مصونیت لازم را ایجاد می‌کند.

در زمینه زوال احسان، فقه امامیه استمرار زوجیت را شرط بقای احسان می‌داند و عواملی مانند طلاق، مسافرت، حبس و ارتداد را زائل‌کننده آن می‌شمارد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نیز، متأثر از این دیدگاه، موانعی مانند مسافرت، حبس، حیض، نفاس و بیماری‌های مانع جماع را از اسباب زوال احسان برمی‌شمرد. این رویکرد مبتنی بر فلسفه احسان است که مصونیت از گناه را به دسترسی مشروع به همسر وابسته می‌داند. در نتیجه، هر عاملی که این دسترسی را سلب کند، احسان را زائل کرده و مجازات را به تازیانہ کاهش می‌دهد.

در مقابل، مذاهب اهل سنت معتقدند که احسان پس از تحقق اولیه با نکاح صحیح و یک‌بار نزدیکی، حتی در صورت زوال زوجیت به‌دلیل طلاق یا فوت، پایدار می‌ماند. این دیدگاه، احسان را وضعیتی دائمی می‌داند که به شرایط اولیه وابسته است، نه استمرار زوجیت. در مورد طلاق، حنفیه و شافعیه طلاق

رجعی را تا پایان عده حفظ‌کننده احسان می‌دانند، زیرا زوجین در این دوره همچنان در حکم زن و شوهر هستند. با این حال، در طلاق بائن، اختلافاتی وجود دارد؛ برخی فقهای حنفی معتقدند اگر زن در عده باشد و قصد رجوع وجود داشته باشد، احسان حفظ می‌شود. مالکیه و حنبلیه نیز در مواردی طلاق را زائل‌کننده احسان می‌دانند، اما با تفصیل متفاوت.

ارتداد در همه مذاهب به دلیل انفساخ نکاح، احسان را زائل می‌کند. با این حال، در فقه حنفی، زن مرتد فرصت سه‌روزه برای توبه دارد و در صورت عدم توبه، احسان زائل می‌شود. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی‌های فقهی در اجرای احکام و تأثیر آن‌ها بر مجازات‌های حدی است.

اختلافات در شروط تحقق و زوال احسان، پیامدهای مهمی بر مجازات‌های حدی دارد. در فقه امامیه، زوال احسان به دلیل فقدان تمکن یا زوجیت، مجازات را از رجم به تازیانه کاهش می‌دهد، درحالی‌که در فقه حنفی، پایداری احسان حتی پس از طلاق، رجم را همچنان جاری می‌سازد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با الهام از فقه امامیه، رویکردی متعادل اتخاذ کرده و تمکن را برای زن به صورت موسع‌تر تعریف می‌کند تا با نیازهای عرفی هماهنگ باشد. این انعطاف‌پذیری، نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای انطباق احکام فقهی با شرایط معاصر است.

از منظر نظری، این پژوهش با تحلیل تطبیقی، به توسعه دانش فقه مقارن کمک کرده و چارچوبی برای درک عمیق‌تر احسان ارائه می‌دهد. از منظر عملی، نتایج پژوهش می‌تواند قانون‌گذاران را در اصلاح قوانین کیفری اسلامی یاری کند. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذاران با بهره‌گیری از فقه تطبیقی، شروط احسان را بازنگری کنند. برای مثال، تعریف موسع‌تر تمکن برای هر دو جنس یا بازتعریف شروط عقل و حریت با توجه به تحولات اجتماعی می‌تواند عدالت کیفری را تقویت کند. همچنین، ایجاد وحدت رویه در تفسیر نصوص شرعی از طریق گفت‌وگوهای فقهی بین مذاهب می‌تواند به انسجام قوانین در کشورهای اسلامی منجر شود. این پژوهش با تأکید بر فقه تطبیقی، زمینه‌ساز قانون‌گذاری منسجم‌تر و هماهنگ با نیازهای معاصر و اصول عدالت کیفری اسلامی است.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی نگارش علمی انجام شده است. تمامی داده‌ها از منابع معتبر و عمومی جمع‌آوری شده و هیچ‌گونه اطلاعات محرمانه یا غیرمجاز استفاده نشده است. نویسنده متعهد به رعایت صداقت علمی و اجتناب از هرگونه تحریف یا سوءاستفاده از داده‌ها بوده است.

تعارض منافع: نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ‌گونه تعارض منافی در ارتباط با نگارش این مقاله وجود ندارد.

سهم نویسندگان: این مقاله توسط اینجانبان محمدجواد مظاهری شورابی دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری به‌عنوان نویسنده مسؤول و مجتبی خرم دانش‌آموخته مقطع دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکدگان پردیس فارابی قم، دانشگاه تهران به‌عنوان همکار نگارش شده و تمامی مراحل پژوهش، شامل طراحی، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و نگارش، به صورت مشترک انجام شده است.

تقدیر و تشکر: از حمایت‌های معنوی خانواده و دوستان در فرآیند نگارش این مقاله و همچنین، از اساتید و پژوهشگرانی که با آثار خود زمینه‌ساز این مطالعه شدند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون حمایت مالی از سوی هیچ نهاد یا سازمانی انجام شده است. تمامی هزینه‌های مرتبط با مطالعه توسط نویسنده تأمین شده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۲). *رد المحتار علی الدر المختار*. جلد‌های سوم و پنجم، بیروت: دار الفکر.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالله (۲۰۰۴). *المغنی*. جلد هشتم، بیروت: بیت افکار الدولیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. چاپ سوم، جلد پانزدهم، بیروت: دار صادر.
- ابن نجیم الحنفی، زین الدین (۲۰۰۲). *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*. جلد پنجم، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*. جلد پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰). *المقنعه*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

- فخر رازی، محمد بن عمر بن حسن بن حسین (۱۴۲۰). *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*. جلد دهم، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.

- کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۹۹۷). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. جلدهای سوم و هفتم، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. جلد هفتم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- محقق حلی (بی تا). *شرایع الإسلام*. جلد دوم، قم: جامعه المدرسین.

- محمد بن احمد عرفه الدسوقی (بی تا). *حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر للدردیر*. جلد چهارم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- مرداوی، علاءالدین (بی تا). *الإنصاف فی معرفه الراجح من الخلاف علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل*. جلد دهم، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.

- مرغینانی، علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل (۲۰۰۶). *الهدایه شرح البدایه المبتدی*. جلد چهارم، دمشق: دارالفرفور.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام*. جلد چهل و یکم، تحقیق عباس قوچانی، علی آخوندی، محمود قوچانی و رضا استادی، تهران: جامعه مدرسین قم.

- نووی، یحیی بن شرف (بی تا). *المجموع شرح المذهب*. جلد بیستم، بیروت: دارالفکر.

- نووی، یحیی بن شرف (بی تا). *روضه الطالبین*. جلد هفتم، بیروت: دارالفکر.

- اکرمی، روح الله (۱۴۰۰). «بازتاب فقه شیعه در نظام کیفری کشورهای اسلامی: مطالعه موردی: شرط استمرار زوجیت در تحقق احسان». *فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی*، ۷۵(۱۹): ۳۲-۳۹.

- بهمن پوری، عبدالله و نظری کله‌جویی، قاسم (۱۳۹۸). «اسباب تحقق و زوال احسان در جرائم منافی عفت با رویکردی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲». *مجله فقه و اصول*، ۳(۵۱): ۵۸-۶۳.

- جندی، خلیل بن اسحاق (۲۰۰۲). *التوضیح فی شرح مختصر ابن الحاجب*. جلد دوم، بیروت: دار الفکر.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد بیست و هشتم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- خطاب، محمد بن محمد (۱۹۹۲). *مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل*. جلد ششم، بیروت: دارالفکر.

- خمینی، روح الله (۱۴۰۹). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

- رملی، شمس‌الدین (۱۹۸۴). *نهایه المحتاج*. جلد هفتم، بیروت: دارالفکر.

- زرقانی (بی تا). *شرح مختصر خلیل*. جلد هشتم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ساریخانی، عادل (۱۳۹۶). «فلسفه احسان در جرایم جنسی مستوجب حد با محوریت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۴۸(۱۳): ۸۵-۹۷.

- شافعی، محمد بن ادريس (۱۹۹۰). *الأم*. جلد ششم، بیروت: دار المعرفه.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۲). *ترجمه و تبیین شرح اللمعه*. ترجمه علی شیروانی، جلد سیزدهم، قم: انتشارات دارالعلم.